

ارتقاء تعامل سالمندی و مکان، مورد مطالعاتی: سالمندان ایرانی مقیم تورنتو*

سعیدرضا سیادتان^۱ - علیرضا عینی^{۲*} - شاهین حیدری^۳

۱. دکتری معماری، پردیس بین‌الملل کیش، دانشگاه تهران، کیش، ایران.
۲. استاد گروه معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استاد گروه معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۰/۰۸/۰۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۴/۲۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱

چکیده

محیط‌های مسکونی کنونی، آشکارا برای فعالیت‌ها و نیازهای سالمندان طراحی نشده‌اند و پرداختن به کیفیت تعاملات سالمندان با محیط کالبدی پیرامون ضروری است. از طرفی نسبت درصد جمعیت سالمندان به کل جمعیت در دهه‌های آتی رو به افزایش است و جمعیت جهان به طور عام و ایران به طور خاص رو به سالمندی است. بنابراین در راستای رسیدن به ادراکی نظری و کاربردی از موضوع تعامل سالمندی در مکان؛ این پژوهش با هدف فهم چگونگی شکل‌گیری چنین تعاملی انجام شده است. برای رسیدن به این هدف، استراتژی پژوهشی کیفی انتخاب و سپس پروتکل مصاحبه بر اساس پنج بخش موضوعی شکل گرفت. سالمندان جامعه ایرانیان مقیم کانادا به عنوان نمونه‌های مورد مطالعه در دو گروه با تعداد مصاحبه‌شوندگان ۴۳ نفر در موقعیت مکانی شهری و گروه دوم با تعداد مصاحبه‌شوندگان ۵۰ نفر در حاشیه شهر انتخاب شدند. پس از انجام مصاحبه‌های عمیق و به اشباع رسیدن پاسخ‌ها جامعه آماری کافی به نظر رسید. داده‌های حاصل از مصاحبه باز، موضوع‌های مشترکی را درباره احساسات سالمندان به مکان و فرآیند تأمل جهت تصمیم‌گیری برای سالمندی در مکان یا نقل مکان نشان داد. پنج کدگذاری موضوعی: اهمیت خانه؛ راحتی و آسایش خانه؛ ویژگی‌های محله و جامعه؛ دشواری مدیریت امور منزل و دغدغه‌های امنیت و ایمنی از طریق داده‌های کیفی دنبال شد. نتایج پژوهش نشان داد که سالمندان اغلب از چشم‌انداز کارکردی به خانه می‌نگرند و به آن دسته از ویژگی‌های محیطی که ماهیت غیرحمایتی دارند، اشاره صریح می‌کنند. در انتها، با استناد به یافته‌های پژوهشی، مفهوم خانه حمایت‌کننده از تعامل سالمندی در مکان از طریق شش مؤلفه (طراحی چندین حیطة برای خانه؛ ایجاد مرزهای نفوذپذیر و حاشیه‌های شفاف؛ ایمنی محیط؛ تقویت دسترسی‌پذیری آشپزخانه؛ سرویس بهداشتی و حمام‌های حمایت‌کننده سالمندی در مکان و دسترسی به طبیعت) با محوریت محل سکونت سالمندان تعریف شده است.

واژگان کلیدی: تعامل سالمندی در مکان، مسکن سالمند-پسند، سالمندان ایرانی مقیم کانادا، ویژگی‌های محیطی سالمندی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «ارتقاء تعامل سالمندی با مکان» در دانشگاه تهران، پردیس بین‌الملل کیش، به راهنمایی نویسنده دوم و سوم است. همچنین بخشی از این پژوهش در غالب فرصت مطالعاتی با میزبانی هیئت دوشی استاد دانشکده معماری دانشگاه رایرسون شهر تورنتو کانادا و در آن دانشگاه انجام گرفته است.

** E-mail: aeinifar@ut.ac.ir

۱. مقدمه

بر اساس گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۹، شاخص امید به زندگی برای جهانیان از مرز ۷۲ سال عبور کرده است (WHO 2019). طبق پیش‌بینی‌های بخش جمعیت سازمان ملل، جمعیت سالمند در جهان از حدود ۱۰.۵ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۲۱.۸ درصد در سال ۲۰۵۰ افزایش خواهد یافت (WHO 2007). در کشور ما، مطابق با سرشماری نفوس سال ۱۳۹۵ انباشتگی جمعیت زنان و مردان در رده سنی ۲۵ تا ۳۵ اتفاق افتاده است؛ در ۲۰ سال بعد این انباشتگی خود را به رده سنی ۴۵ تا ۵۵ می‌رساند و نشان می‌دهد که در سال ۱۴۳۵ جمعیت انبوه کشور در رده سنی بین ۶۵ تا ۷۵ که سن کهولت و از کارافتادگی است، قرار خواهند داشت. اهمیت پژوهش، از این اصل بدیهی نشأت می‌گیرد که سالمندان به عنوان اقشار خاص جامعه از جنبه ابعادی که نقش اساسی در طراحی محیط دارند با رده‌های سنی دیگر متفاوت هستند. نخست، محیط‌های شهری آشکارا برای فعالیت‌ها و نیازهای سالمندان طراحی نشده‌اند؛ دوم، درصد جمعیت سالمندان نسبت به کل جمعیت در دهه‌های آتی رو به افزایش است. در پاسخ به این سوال که «سالمندی چگونه اتفاق می‌افتد؟» نظریه‌های متعددی ارائه شده است. این نظریه‌ها اغلب با رویکردی بیولوژیک به توصیف و تبیین پیری پرداخته‌اند؛ با این وجود در کنار این نظریه‌ها، برخی دیگر از متفکران به اثرپذیری فرآیند پیری از عناصر محیطی و اجتماعی و کیفیت زندگی افراد مختلف در دوره سالمندی توجه کرده‌اند. برخی نیز با رویکردی تحولی سعی داشته‌اند سالمندی را به شکل تعامل چندگانه (تعامل بین جنبه‌های اجتماعی، محیطی، زیستی و روانی) معرفی نمایند. بنابراین پرداختن به بنیان‌های نظری در ارتقاء تعامل سالمندان با مکان به منظور آمادگی در مواجهه با آن ضروری و با اهمیت است. از این رو پژوهش حاضر در راستای رسیدن به ادراکی نظری و کاربردی از موضوع سالمندی در مکان با هدف فهم چگونگی شکل‌گیری سالمندی در مکان و انگیزه‌های دخیل در نقل مکان و همچنین رفتارهای نقل مکان که با عوامل محیطی همبسته هستند، متمرکز است. با توجه به تنوع گزینه‌های مسکن سالمندان در کشور کانادا و برنامه‌های حمایتی دولت این کشور برای سالمندی در مکان و جمعیت کافی ایرانیان مقیم شهر تورنتو برای این پژوهش، سالمندان جامعه ایرانی با رده سنی بالای هفتاد سال در دو گروه از محله مرکزی شهر تورنتو و محله حاشیه‌ای شهر به عنوان جامعه آماری پژوهش انتخاب شده است. این پژوهش به واکاوی این پرسش‌ها می‌پردازد که وقتی یک سالمند تصمیم به سالمندی در مکان می‌گیرد، برای مقابله با تغییرات ناشی از سن در محیط خانه خود چگونه مکان را تغییر می‌دهد؟ و مولفه‌های ارتقاءدهنده سالمندی در مکان چیست؟ ارتباط بین این مولفه‌ها چگونه است؟ در

نهایت پژوهش برای پیشنهاد رهنمودهای طراحی مسکن مناسب سالمندی در مکان تلاش می‌کند.

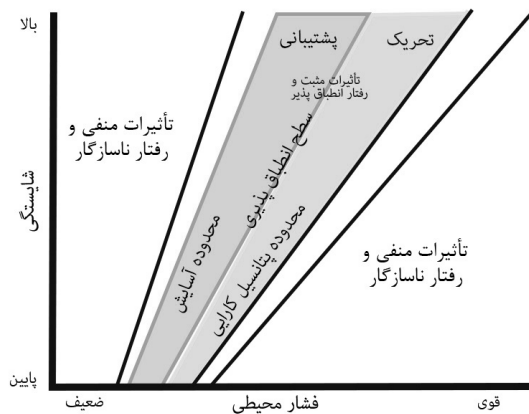
۱-۱- مروری بر پیشینه پژوهشی سالمندی در مکان

با فزونی یافتن تحقیقات و شواهد، سازمان جهانی بهداشت ارتقاء تعامل سالمندان با مکان را با ارائه مفهوم "سالمندی فعال" و تلاش برای ساخت "محله‌های دوستدار سالمندان" پیشنهاد کرده است (WHO 2002; WHO 2007). عبارت "سالمندی در مکان" به معنای سکونت سالمندان در مکان و گروه‌های اجتماعی همراه با سطوح متفاوتی از استقلال فردی است (Davey et al. 2004; Wiles et al. 2011). فرضیه‌های بسیاری وجود دارد که انسان و به‌ویژه سالمندان ترجیح می‌دهند در مکان خود سالمند شوند که به آن‌ها امکان بدهد، مستقل بمانند و ارتباط اجتماعی خود را در شرایط آشنا ادامه دهند (Burkhauser et al. 1995; Marr and Millerd 2004; Wiles et al. 2011). اما به مرور زمان ایده سالمندی در مکان به معنای ماندن در واحد مسکونی کنونی سالمندان و گروه اجتماعی فعلی تبدیل شده است. مفهوم سالمند گیرافتاده در مکان هرچند در عمل با سالمندی در مکان یکسان است، ولی در معنا بیش‌تر دلالت بر عدم حق انتخاب دارد. به عبارت دیگر، افراد مسن درگیر با محله و یا مسکن نامناسب به دلیل موانع اجتماعی-اقتصادی، اصولاً حق انتخابی برای تغییر مکان ندارند (Golant 2008; Klinenberg 2015). یکی از مباحث مطرح در ادبیات سالمندی در مکان مربوط به نسبت‌های متفاوت کیفیت خدمات اجتماعی، درمانی و مراقبتی، دسترسی به امکانات و تنوع حمل و نقل عمومی است که در تمایل ماندن در محیط موثر است (Erickson et al. 2012; Stinner and Van Loon 1992; Vogt, Allen, and Cordes 2003). به این دلیل، بسیاری از تحقیقات بر رضایتمندی محیط مسکونی در ارتباط با سالمندی در مکان پرداخته‌اند (Lawton, Altman, and Wohlwill 1984; Bonaiuto et al. 1999). عبارت رضایتمندی از محیط مسکونی دلالت بر تکامل‌های فردی در ارتباط با شرایط محیط مسکونی فرد است که در دو بعد مسکن و محله تقسیم می‌شود و شامل نیازها، تمایلات و موفقیت‌های فردی است (Perez et al. 2001). دل بستگی به محیط و دل بستگی به ارتباطات اجتماعی، هر دو در سالمندی در مکان موثر بوده و محله می‌تواند به معنای حس تعلق فرد به یک گروه باشد که به عنوان یک ارتباط عمیق عاطفی بین فرد و محله در نظر گرفته می‌شود (Wiles et al. 2011). در عمل، تعلق سالمندان به محله به تعلق فردی از مسکن نیز منجر می‌شود.

تعدادی از مطالعات قبلی به آزمون ارتباطات بین ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی و عوامل بیولوژیکی-حرکتی و در نهایت تمایل به ماندن در آن مکان یا تغییر مکان پرداخته‌اند؛ که در میان آن‌ها، مالکیت واحد

مدل زیست‌محیطی سالخوردگی لاتون و ناهمو (۱۹۷۳) بیش‌ترین تأثیر را در تحقیقات و سیاست‌ها داشته است. مدل زیست‌محیطی سالمندی لاتون و ناهمو (Lawton and Nahemow 1977) که به عبارت دیگر به عنوان مدل صلاحیت نیز شناخته می‌شود، به توضیح ارتباطات بین تنش‌های ایجاد شده توسط محیط (شناخته شده به عنوان «فشار») و توانایی شخص سالخورده برای مقابله با این نیازها (شناخته شده به عنوان «صلاحیت») می‌پردازد. «فشار» محیط به شرایط محیطی (فیزیکی، اجتماعی، روان‌شناختی) اشاره دارد که آن شرایط می‌توانند با عنوان حمایتگر یا مخالف، تعریف شوند. هنگامی که تنش (فشار) وارد می‌شود، پاسخی از طرف شخص برای رسیدن به تعادل بین این دو ضروری است. در این مدل، «صلاحیت» به توانایی‌های فردی (مانند توانایی حسی، مهارت‌های حرکتی، توانمندی شناختی و غیره) اشاره دارد که از کم به زیاد اندازه‌گیری می‌شود. سپس ترکیب این دو مورد برای مشخص کردن این‌که آیا فرد در «منطقه مناسب» قرار دارد، یا خیر استفاده می‌شود (شکل ۱). براساس مدل لاتون، وقتی یک شخص با سطوح در حال افزایش «فشار» روبه‌رو می‌شود، دو گزینه دارد: صلاحیت خود را تغییر دهد یا محیط فیزیکی یا اجتماعی خود را به منظور جبران پایین‌بودن سطح صلاحیت خود، تغییر دهد. فرآیند سالمندی اغلب به سطوح پایین‌تری از صلاحیت منتهی می‌شود؛ بنابراین، اصلاح محیط فیزیکی یا اجتماعی ممکن است به عنوان یک راهکار مؤثرتر دیده شود.

شکل ۱: مدل زیست‌محیطی سالمندی لاتون و ناهمو



(Lawton and Nahemow 1977)

به طور کلی، افراد با سطوح بالایی از صلاحیت، می‌توانند در برابر سطوح بالاتری از فشار ایستاده و یا به آن‌ها پاسخ دهند و افراد دارای سطوح پایین‌تری از صلاحیت نسبت به خواسته‌های مطرح شده از سمت محیط، آسیب‌پذیرتر هستند. بر اساس نظریه‌های فرآیندی به‌ویژه نظریه تداوم (Atchley 1989) که در جامعه‌شناسی با استناد بر مشاهده سالمندان تدوین شده و با اغلب نظریه‌های رشد بزرگسالی که با بسط نظریه‌های رشد کودک به دوران بزرگسالی

مسکونی عاملی تعیین‌کننده است (Burkhauser et al. 1995; Ferraro 1981; Golant 2008; Lehning, Smith, and Dunkle 2015; Stoeckel and Porell 2010; Venti and Wise 1998). همچنین شواهد آماری بسیاری در مورد تأثیر مالکیت واحد مسکونی و تمایل به سالمندی در مکان وجود دارد (Ferraro 1981; Lehning et al. 2015; Stoeckel and Porell 2010; Strohschein 2012). به طور مشابه، تجرد یا ازدواج و داشتن فرزندی که در نزدیکی ساکن باشد، تأثیرات مثبتی بر انتظارات سالمندی در مکان دارد (Erickson et al. 2012; Ferraro 1981; Stoeckel and Porell 2010) و نیز سطح تحصیلات و مشکلات اقتصادی در تصمیم سالمندی در مکان دارای تأثیرات منفی است (Erickson et al. 2012; Ferraro 1981; Lehning et al. 2015; Stoeckel and Porell 2010; Strohschein 2012). با وجود مشکلات کارکردی و جسمی حرکتی، اکثریت سالمندان ترجیح می‌دهند به منظور حفظ حداکثر استقلال فردی در خانه‌های خود، سالمند شوند (Bayer and Harper 2000; Rantz et al. 2011). همچنین مطالعات نشان‌دهنده صرف زمان نود درصدی سالمندان در محیط خانه است (Baker et al. 2007). این سطح بالای زمان صرف‌شده سالمندان در خانه و محیط اطراف در حالی است که ویژگی‌های محیط، اغلب تعامل سالمندان با محیط را محدود می‌کنند (Oswald et al. 2003; Wahl et al. 2009). همچنین وجود این‌که مطالعات تجربی محدودی تاکنون انجام شده است، شواهد روایتی متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد محیط فیزیکی با پیامدهای سلامتی، ادراک بهزیستی و استقلال کارکردی در بین سالمندان، همبسته است.

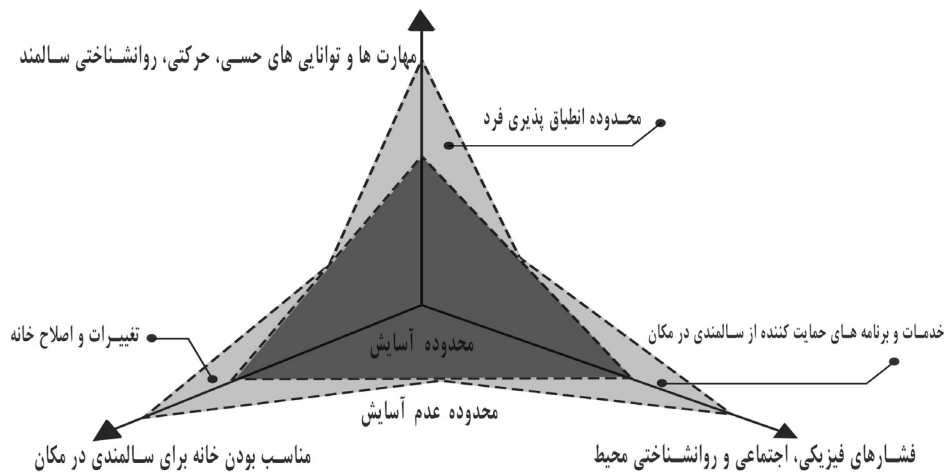
۱-۲- چارچوب نظری سالمندی در مکان

نظریه‌های انسان-محیط، در سنتی فکری توسعه داده شدند که در آن انسان‌ها به عنوان ارگانیزم‌های سازگاری در نظر گرفته می‌شوند که به صورت پیش‌بینی شده در برابر محرک‌ها، واکنش نشان می‌دهند. بر این اساس مدل‌های «تعامل یا تبادل» به وسیله تغییراتی که هم در شخص و هم در محیط در طول زمان رخ می‌دهد، تحت شرایطی که موقعیت فیزیکی شخص تنها مقدار ثابت است، مشخص می‌شوند. یک مطالعه برجسته که به شکل‌گیری این سنت فکری کمک کرد، نظریه میدانی لوین (۱۹۵۱) است. لوین استدلال کرد که رفتار به طور کلی می‌تواند به عنوان تابعی از تعامل بین مردم و محیط مشاهده شود. بر اساس این تحقیق، او فرمولی را استخراج کرد که این تعامل را توضیح می‌دهد: $B=f(P, E, \text{ and } Px E)$ ، جایی که رفتار (B) تابعی (f) از شخص (P) و محیط (E) و تعامل بین این دو (Px E) است (Lewin 1951). کار لوین و بیش‌تر مدل‌های تبدالی انسان-محیط، مبتنی بر نظریه نیاز-فشار موری است (۱۹۳۸) که ادعا می‌کند هر فرد نیاز دارد تعادل با محیط خود را حفظ کند. از بین مدل‌های منتشرشده،

شخصی فرد با خانه، تبیین دیگری برای احساس راحتی در خانه را ارائه می‌کند. در مورد معانی خانه، اگر فرد علاقه مفراطی نسبت به یک مکان داشته باشد (یعنی در طراحی آن کمک کرده باشد، مبلمان را سازمان‌دهی کرده و برای نگهداری آن تلاش کرده باشد)، در این صورت احساس راحتی بیشتری در آن مکان خواهد داشت و این مکان را مانند قلمروی خود تلقی می‌کند. بنابراین و با توجه به مدل زیست‌محیطی لاتون و ناهمو، مدل محیطی سالمندی در مکان در شکل ۲ تبیین شده است.

مغایر است، می‌توان در سالمندان نوعی الگوهای فکری و عملی را مشاهده کرد که این الگوها به مرور زمان تکامل یافته و به صورت پیوسته برای سازگاری با نیازها و شرایط متغیر به کار می‌روند. مطالعات پیشین نشان می‌دهند که محیطی که در آن امکان کنترل یا انتخاب چندانی وجود ندارد و تقویت‌کننده رفتار منفعل و وابسته است؛ منجر به افزایش ادراک درماندگی می‌شود (Peterson et al. 1993). درماندگی آمیخته‌شده با سطوح بالای افسردگی، بیماری جسمانی و مرگ و میر همبسته است (Peterson et al. 1993; Rodin and Langer 1977). درگیری و مشارکت

شکل ۲: مدل محیطی سالمندی در مکان



یک مطالعه کیفی از یکی از سه رویکرد مطابق جدول ۱ استفاده می‌کند.

با توجه به طرح پژوهش، رویکرد کیفی که در این مطالعه به کار رفته است ذیل گروه "تفسیرگرایی" قرار می‌گیرد. شرکت‌کنندگان احتمالی مصاحبه حضوری برای دستیابی به درک کامل و جامع از میان جمعیت مورد مطالعه شناسایی شدند. مصاحبه در خانه شرکت‌کنندگان و با استفاده از سوالات ساختاریافته و پاسخ باز اجرا شد. هدف مصاحبه اخذ اطلاعاتی در مورد "موانع محیطی" بود که منجر به محدودیت فعالیت‌های واقعی و ذهنی سالمندان در خانه شده است.

در بازه زمانی ۱۹۷۱-۱۹۸۰ تعداد ایرانیان کانادا کم‌تر از ۵۰۰۰ نفر بود. سرشماری کانادا در سال ۲۰۰۱ تعداد ایرانیان ساکن کانادا را ۸۸۲۲۵ نفر گزارش کرد. اکثریت ایرانیان مهاجرت به کانادا در تورنتو (۴۱۲۹۵ نفر) ساکن هستند که در میان آن‌ها ۱۹۱۰ نفر بیش از ۶۵ سال سن داشتند (Moghissi 2009). افراد مطابق با معیارهای جدول ۲ برای حضور در این مطالعه از میان ایرانیان مقیم شهر تورنتو واجد شرایط انتخاب شدند. علت و توجیه انتخاب سالمندان مقیم کانادا به وجود الگوی مسکونی تک‌واحدی، زمان سکونت بالا افراد در مکان، حس تعلق

۲. روش تحقیق

استراتژی پژوهش از نوع کیفی است. برای موفقیت در مطالعه کیفی، فرآیند سیستماتیک اهمیت حیاتی دارد. بر اساس اظهارات میلز و هوبرمن (۱۹۹۴)، این فرآیند شامل "رابطه تعاملی بین گردآوری داده، تحلیل داده‌ها، نمایش داده‌ها و نتیجه‌گیری/اعتبارسنجی" است (Groat and Wang 2013). مهم‌ترین مشکل تحلیل داده‌های کیفی در ماهیت کلمه‌ای داده‌ها است؛ این کلمات در ابتدا کم اهمیت به نظر می‌رسند؛ مگر این‌که برای تعیین روابط بین آن‌ها بارها به کلمات پیش‌آیند و پس‌آیند توجه شود (Creswell 2009). نظر به این‌که تحلیل داده‌ها شامل کار با کلمات است، رمزگذاری روشی موثر برای سازمان‌دهی و کاهش داده‌ها به طبقات قابل مدیریت اطلاعات است (Groat and Wang 2013). کدها یا رمزها طبقاتی هستند که از سوالات پژوهشی، فرضیه‌ها، مفاهیم کلیدی و یا موضوعات مهم داده‌ها مشتق شده‌اند. در نهایت بعد از شناسایی و طراحی کدهای مختلف، پژوهشگر وارد مرحله بعدی کدگذاری می‌شود. این فرآیند "کدگذاری الگو" نامیده می‌شود که طی آن حجم بالایی از اطلاعات در قالب واحدهای معنی‌دارتر و هماهنگ‌تر تحلیل جای می‌گیرند (Newman 2003). پژوهشگر معمولاً برای انجام

به مکان، عوامل فرهنگی و اجتماعی و تمایل به سالمندی در مکان مرتبط است.

جدول ۱: رویکردهای مطالعه کیفی

نظریه داده بنیاد	به صورت تاریخی با سنت‌های جامعه‌شناسی همبسته است و هدف اصلی آن دستیابی به نظریه بر اساس داده‌های گردآوری شده است.
قوم‌نگاری	از انسان‌شناسی یا مردم‌شناسی نشأت می‌گیرد و هدف آن درک ویژگی‌های خاص شرایط از طریق غوطه‌وری عمیق در آن است.
تفسیرگرایی	از سنت پدیدارشناختی در فلسفه نشأت می‌گیرد و هدف از آن درک دنیای پیچیده تجارب زیسته از چشم‌انداز افرادی است که این شرایط را زندگی کرده‌اند.

(Groat and Wang 2013)

جدول ۲: معیارهای گزینش شرکت‌کنندگان پژوهش

جنسیت	سن	وضعیت تاهل	نوع خانه
مردان و زنان	۷۰ سال و بالاتر	مجرد، جداشده، بیوه یا متاهل	افراد که در خانه / آپارتمان / مجتمع زندگی می‌کنند (به استثنای افرادی که در خانه‌های سالمندان، خانه آشنایان و یا آپارتمان‌های سازمانی زندگی می‌کنند).

گروه اول نمونه‌ها از محله مرکزی شهر تورنتو که شامل ۱۵۰ شرکت‌کننده احتمالی بر اساس معیارهای بررسی شده بود، انتخاب شدند. از این گروه اصلی، با ۴۳ سالمند در منزل آن‌ها مصاحبه شد. پس از انجام مصاحبه‌های عمیق، پاسخ‌ها به اشباع رسیده و جامعه آماری کافی به نظر رسید.

شکل ۳: نمونه خانه سالمندان گروه اول



گروه دوم نمونه‌ها از ساکنین خانه‌های تک‌خانوار در محله مسکونی حاشیه‌ای شهر تورنتو انتخاب شدند و زیرمجموعه‌ای شامل ۵۰ نفر در خانه‌های خود تحت مصاحبه قرار گرفتند. مصاحبه‌ها بین یک ساعت تا دو ساعت و بیست دقیقه به طول انجامیدند. مشخصات نمونه این گروه در جدول ۳ درج شده است.

جدول ۳: جنبه‌های اجتماعی - جمعیت‌شناختی جامعه آماری

اجتماعی - جمعیت‌شناختی	گروه اول: حجم نمونه ۴۳ نفر	گروه دوم: محله دروازه‌دار؛ حجم نمونه ۵۰ نفر
متوسط سن	۸۵ سال	۷۹ سال
جنسیت	۸۰٪ زن، ۲۰٪ مرد	۶۰٪ زن، ۴۰٪ مرد
میزان تحصیلات	اکثراً فارغ‌التحصیل تحصیلات تکمیلی	اکثراً فارغ‌التحصیل دبیرستان و دانشگاه
درآمد	درآمد متوسط به بالا (بیش از گروه دوم)	درآمد متوسط به بالا

پروتکل مصاحبه بر اساس تجربیات، روش‌ها و یافته‌های پژوهشی مطالعات پیشین، طراحی شد. بلافاصله بعد از هر مصاحبه، مصاحبه‌های ثبت‌شده رونویسی و جملات اصلی استخراج و لحاظ شدند. سپس تمام کدها در رابطه

- موضوعی به شکل زیر سازماندهی شد:
۱. ویژگی‌های زمینه‌ای سالمندان (مانند: شرایط زندگی، حمایت اجتماعی، سلامت)؛
 ۲. اهداف و قصد سالمندان (سالمندی در مکان یا نقل مکان)؛
 ۳. ارزیابی خانه و خدمات محله؛
 ۴. فرآیند تصمیم‌گیری برای اقامت در خانه یا نقل مکان؛
 ۵. تغییرات مدنظر یا اعمال‌شده در خانه برای سالمندی در مکان و نحوه بازسازی خانه برای تأمین نیازهای کنونی؛

با سایر کلمات تحلیل شده و کدها با همدیگر بر اساس وجوه تشابه دسته‌بندی شدند. در طول تحلیل، دقت کافی برای حفظ کلمات و معانی مرتبط در کنار هم مبذول شد و موضوعات یا الگوهای کدها، شناسایی شدند. در حالی که محدودیت‌ها تحلیل محتوا مانند: محدودیت چارچوب تفسیری پژوهشگر بر داده‌ها و از دست رفتن گریزناپذیر بعضی از داده‌های معنی‌دار بر کسی پوشیده نیست، روش گردآوری داده‌ها و تحلیل پژوهش در کنار هم باعث می‌شود تا حد امکان داده‌ها خالص و ناب باقی بمانند. پروتکل مصاحبه بر اساس پنج گروه کلی برای کدهای

شکل ۴: نمونه خانه سالمندان گروه دوم



عبارت بود از ۱. اهمیت خانه؛ ۲. راحتی و آسایش خانه؛ ۳. ویژگی‌های محله و جامعه؛ ۴. زیاد بودن امور منزل و دشواری مدیریت آن‌ها؛ ۵. دغدغه‌های ایمنی و امنیتی. با توجه به مجموعه‌ای از دیدگاه‌های کیفی که از پاسخ‌دهندگان سالمند گردآوری شد، می‌توان دریافت خانه مکانی راحت برای سالمندان بوده و پیش‌نیاز بهزیستی روان‌شناختی و جسمانی آنان است. راحتی و آسایش خانه با آشنایی مکان، استقلال به سبب حضور در مکان شخصی خود و درگیری با مکانی که شخص می‌تواند آن را "مختص خود" خطاب کند و متعلق به خود بداند، همبسته است. یکی از پاسخ‌دهندگان گفت "لازم است مکانی را برای شخص خود داشته باشید، حتی اگر به آن نیازی ندارید. همه انسان‌ها به مکانی نیاز دارند تا به آن پناه ببرند." شاید به همین دلیل است که پاسخ‌دهندگان به دلیل داشتن توانایی جهت کنترل محیط خود احساس رضایت داشته و به تبع آن احساس آسایش و راحتی می‌کنند. مطابق نظرات سالمندان، آن‌ها با امور متعدد خانه‌داری مواجه هستند و نمی‌توانند به صورت روزانه تعمیر و نگهداری خانه را پیگیری کنند. سالمندان به مشکلات و

پروتکل مصاحبه بارها بازبینی شد و از نظر محتوا، وضوح و اندازه مورد پیش‌آزمون قرار گرفت. از پژوهشگران متعددی درخواست شد این ابزار را بررسی کرده و بازخورد ارائه دهند. پروتکل مصاحبه جهت ارزیابی میزان وضوح سوالات بر روی سه سالمند مختلف اجرا و اطلاعات حاصل از هر سوال بررسی شد. بعد از اتمام پروتکل مصاحبه، نامه‌ای برای معرفی و دعوت برای مشارکت به شرکت‌کنندگان احتمالی ارسال شد. به افراد اطمینان داده شد که مشارکت آن‌ها اختیاری است و در حین مصاحبه می‌توانند به هر سوالی که در مورد آن راحت نیستند، پاسخ ندهند و یا هر زمان که بخواهند، مصاحبه را متوقف کنند. در انتها، نتایج پژوهش با شرکت‌کنندگان مطرح شده و نتایج مورد آزمون قرار گرفت.

۳. یافته‌ها و بحث

داده‌های حاصل از مصاحبه، موضوعات مشترکی را در مورد احساسات سالمندی در محل و فرآیند تأمل برای تصمیم‌گیری جهت ماندن یا نقل مکان را نشان می‌دهند. پنج موضوعی که از طریق داده‌های کیفی دنبال شد،

صورت عینی و واقع‌بینانه به خانه خود نگریسته و موانع محیطی را شناسایی کند.

۴. نتیجه‌گیری

ادراک و برداشت سالمندان از محیط مسکونی خود براساس عوامل مختلفی مانند: شرایط سلامتی، نزدیکی اعضای خانواده، شرایط زندگی و نگرش‌های فرد متغیر است. علی‌رغم این تفاوت‌ها، سالمندان اغلب از چشم‌انداز کارکردی به خانه می‌نگرند و در مصاحبه‌ها بی‌درنگ به آن دسته از ویژگی‌های محیطی که ماهیت غیرحمایتی داشتند، اشاره می‌کردند. در اغلب موارد سالمندان خانه کنونی خود را با خانه‌هایی که در گذشته در آن‌ها زندگی کرده‌اند، مقایسه می‌کنند. ویژگی‌های فیزیکی متعددی وجود دارد که از چشم‌انداز کارکردی برای سالمندان، سالمند-پسند به نظر می‌رسد. ابعادی که در طی پژوهش حاضر اغلب به آن‌ها اشاره شد، شامل: زندگی در یک خانه‌ی یک طبقه، روشنایی مناسب، امکانات ایمنی و ابزارهای کمکی ویژه بودند و از طرف دیگر تغییرات سطح در خانه‌های چندطبقه به عنوان یکی از رایج‌ترین نگرانی‌ها، مطرح شد. موانع محیطی در خانه که توسط سالمندان مورد اشاره قرار گرفتند، شامل: طرح ساختاری و ویژگی‌های فضایی؛ راحتی و حساسیت‌های ارگونومیک؛ مسائل ایمنی و قابلیت نگهداری بودند. این چهار حوزه که توسط داده‌ها شناسایی شد، چارچوبی برای درک استراتژی‌های محیطی لازم برای سالمندی در محل را به ارمغان می‌آورند.

داده‌های کیفی نشان می‌دهد که سالمندان خانه کنونی خود را از نظر اندازه کوچک‌تر کرده و یا ترجیح می‌دهند در یک طبقه زندگی کنند. یک مفهوم موضوعی که از داده‌های کیفی استخراج شد، مفهوم "کاهش فضاهای زندگی روزمره" است. سالمندان ترجیح می‌دهند صاحب خانه‌هایی باشند که نگهداری آن‌ها در حد توان آن‌ها باشد. از نظر سالمندان تغییرات خانه، اغلب بر اساس دغدغه‌های ایمنی است. وقتی از افراد پرسیده شد که کدام استراتژی‌ها به سالمندی در محل کمک می‌کنند، مفهوم موضوعی مشترکی تحت عنوان "جبران ویژگی‌های غیرحمایتی خانه" نمایان شد. بدین ترتیب استراتژی‌هایی که سالمندان برای سالمندی در مکان استفاده می‌کنند شامل: ارتقاء لوازم جانبی، بازسازی روشنایی، ایجاد تغییرات جزئی یا عمده در خانه، اضافه‌سازی ویژگی‌های ایمنی خاص، اضافه‌سازی تابلوها و نشانه‌ها و استخدام نیروهای کمکی است.

بر اساس اظهارات سالمندان مصاحبه‌شونده، سالمندان فضاهای زندگی خود را برای سهولت در انجام فعالیت‌های روزمره کاهش می‌دهند، اما برای راحتی خانواده و دوستان در زمان مهمانی‌های خود، از آن فضاها دوباره استفاده می‌کنند. طراحی خانه همچنین می‌تواند در واکنش به

زحمات صاحب خانه بودن اشاره کردند، با این حال گروه صاحب‌خانه‌ها به سبب دل‌بستگی قوی به خانه، تمایلی به نقل مکان نداشتند. معمولاً سالمندان برای مسکن و سکونت خود سناریوهای مختلفی را پیش‌بینی می‌کنند و یا در مورد آن‌ها می‌اندیشند. یکی از نگرانی‌های رایج سالمندان در مورد مسائل ایمنی و نگرانی از دست دادن استقلال عملکردی است. این مسائل از جمله مشکلات چندبعدی بوده و شامل هم‌آمیزی ویژگی‌های محیطی، منابع شخصی، حمایت اجتماعی و سلامت و موارد متعدد دیگر است. پاسخ‌دهندگان اظهار کردند که برای دستیابی به استقلال کارکردی در خانه خود تغییرات جزئی و یا عمده ایجاد کرده‌اند و در اغلب موارد این تغییرات با هدف برطرف‌سازی کاستی‌های محیط انجام شده است.

الگویی که در داده‌های کیفی نمایان شده نشان می‌دهد که زمینه و شرایط محله، حکم سرمایه را برای سالمندی در محل ایفا می‌کنند. سالمندان اشاره کردند که به وسایل حمل و نقل عمومی "سالمند پسند" نیاز دارند. همچنین آن‌ها به کاربری‌های خدماتی که به صورت منظم از آن‌ها استفاده می‌کنند (مانند: داروخانه، فروشگاه، مراکز مذهبی و خدمات پزشکی) نیازمندند. این موضوع از این رو اهمیت دارد که سالمندان نمی‌خواهند به فرزندان خود وابسته شده و به اصطلاح باری بر دوش آن‌ها باشند. در مجموع داده‌های کیفی نشان می‌دهد که سالمندان ترجیح می‌دهند به صورت مستقل زندگی کنند و بر رویدادهای زندگی قدرت کنترل داشته باشند، اما همزمان ترجیح می‌دهند در مواقع نیاز، به آن‌ها کمک شود. الگوی جالب توجهی در یافته‌های کیفی نشان داد که سالمندان نگران هستند که ایجاد تغییرات اصلاحی در خانه بر نمای خانه آن‌ها اثر بگذارد. تعداد قابل توجهی از سالمندان اظهار کردند که نمی‌خواهند تغییراتی در تمامیت خانه ایجاد کنند. به‌ویژه سالمندان خواستار آن دسته ویژگی‌های ایمنی هستند که توجه کسی را به محدودیت‌های جسمانی آن‌ها جلب نکند. همان‌طور که یکی از ساکنین سالمند گفت: "فکر نمی‌کنم اگر یک سطح شیب‌دار به نمای بیرونی خانه اضافه کنیم، در این محله چندان خوشایند به نظر برسد." با وجود این که اکثر سالمندان، سالمندی در محل را ترجیح می‌دهند؛ در مقایسه با افرادی که به آسانی به موانع محیطی اشاره کرده بودند، سایر سالمندان تحت مصاحبه گفتند که "این خانه به همین صورت که هست، خوب و مناسب است." در اصل، برخی سالمندان موانع محیطی مهم را از جمله عوامل محدودکننده سالمندی در محل بیان نمی‌کردند. با این حال وقتی از آن‌ها پرسیده شد "در این خانه چه چیزی را نمی‌پسندید؟" همان سالمندان توانستند به آسانی مواردی را که با آن‌ها مشکل داشتند، شناسایی کنند که اغلب آن‌ها را می‌توان تحت عنوان موانع محیطی نامگذاری کرد. احتمالاً دل‌بستگی عمیق به خانه مانع از آن می‌شود که یک فرد سالمند به

چندین حیطة وجود دارد که با توجه به مسافت مناسب قابل پیمایش برای سالمندان به دیگر فضاها در حمایت از کاهش اندازه حیطة زندگی روزمره، مورد استفاده قرار گیرد (شکل ۵).

توانایی‌ها، ترجیحات و ترکیب خانواده تغییر کند؛ خانه در گذر زمان قابل دستکاری، قابل انطباق و قابل تغییر است تا "حاشیه آسایش" فرد از نو ایجاد شود. از منظر مفهومی، خانه سالمندپسند یا دوستدار سالمندی بر اساس این پنداشت می‌تواند طراحی شود که درون خانه

شکل ۵: حیطة‌های خانه سالمندپسند



و محیط‌های دیرآشنا به آن‌ها حس راحتی و آسایش می‌بخشند. با استناد به یافته‌های پژوهشی، مفهوم خانه حمایت‌کننده سالمندی در مکان از طریق شش مؤلفه (جدول ۴) با محوریت محل سکونت سالمندان تعریف می‌شود.

تمایل به سالمندی در مکان به نحو چشمگیری به موازات افزایش سن، افزایش می‌یابد و همان‌طور که در اظهارات پاسخ‌دهندگان مشاهده می‌شود، به موازات کاهش تحرک و تضعیف حواس، فضای زندگی سالمندان کوچک و کوچک‌تر می‌شود. سالمندان به مرور کم‌تر قادر هستند به صورت شهودی محیط‌های جدید را تفسیر کنند

جدول ۴: رهنمودهای حمایت‌کننده از سالمندی در مکان

<ul style="list-style-type: none"> - حیطة اولیه شامل هسته خانه و کارکردهای برنامه‌ریزی شده برای زندگی روزمره است (آشپزخانه، حمام و اتاق خواب)؛ - حیطة دوم که باید در نزدیکی حیطة اول قرار گیرد (تجهیزات لباسشویی، ورودی، دومین اتاق خواب/اتاق کار و انباری)؛ - حیطة سوم، حیطة افزایشی خانه است که در شرایط خاص برای دیگران مورد استفاده قرار می‌گیرد (اتاق خواب‌ها، حمام و اتاق مهمان، فضاهای مهمان‌پذیر). 	طراحی چندین حیطة برای خانه به صورت سالمندپسند
<ul style="list-style-type: none"> - مرز بین هر حیطة باید یکپارچه باشد تا کل خانه به عنوان یک کل یکپارچه عمل نماید (حذف موانع محیطی مانند اختلاف سطوح)؛ - فضاها باید مبتنی بر نقشه باز بوده و حاشیه بین فضاها کم‌رنگ و در هم آمیخته باشد (مانند: استفاده از درب‌های کشویی برای جداسازی فضاها)؛ - طراحی ایوان یا حیاط خلوت در خارج از خانه، سرسرا یا ورودی سرپوشیده، طراحی نمای خارجی خانه به شکلی که امکان مشاهده جریان زندگی در خیابان باشد. 	ایجاد مرزهای نفوذپذیر و حاشیه‌های شفاف
<ul style="list-style-type: none"> - طراحی آشپزخانه به صورت باز؛ - استفاده از پراک‌الات حمایت‌کننده زوال تحرک در طراحی آشپزخانه. 	در نظر گرفتن ایمنی محیط و تقویت دسترسی‌پذیری آشپزخانه
<ul style="list-style-type: none"> - طراحی حمام به صورت باز؛ - در نظر گرفتن افزونه‌های ایمنی در حمام در مرحله طراحی؛ - طراحی ابعاد سرویس‌های بهداشتی و حمام با فضای دایره‌ای آزاد با قطر حداقل ۱.۵۲۵ متری برای گردش ویلچر. 	سرویس بهداشتی و حمام‌های حمایت‌کننده سالمندی در مکان (در مرحله طراحی)

- بررسی سطوح مناسب برای پیاده‌روی، اجتناب از تغییرات سطح و تأمین فضا و جو آرام‌بخش؛
 امکان دسترسی به طبیعت
 - ایجاد مکانی سایه‌دار برای تشویق ارتباط با طبیعت؛
 - باغچه‌های مرتفع برای کاشت گل و سبزیجات با توجه به زوال حرکتی در سالمندان به منظور حمایت از سالمندی فعال.
- خدمات و برنامه‌های
 حمایت‌کننده سالمندی در
 مکان
 - خدمات نگهداری از منزل و انجام امور خانه‌داری؛
 - نگهداری از خانه و محوطه خانه مانند: باغبانی و تعمیر خانه؛
 - برنامه‌های مشاوره‌ای برای ارزیابی خانه و نحوه اجرای تغییرات در خانه.

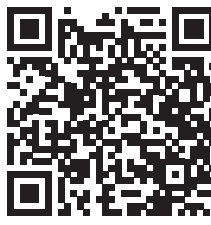
ارتباط فیزیکی با طبیعت فراهم آورد. سطوح مناسب برای پیاده‌روی، اجتناب از تغییرات سطح و تأمین فضا و جو آرام‌بخش، ایجاد مکان سایه‌دار از جمله نمونه‌های محیطی هستند که سالمندان را برای ارتباط با طبیعت تشویق می‌نمایند. افزون بر این، باغچه‌های مرتفع برای کاشت گل و سبزیجات با توجه به زوال فیزیکی سالمندان شرایطی را فراهم می‌آورد که در صورت تمایل فرصتی برای شروع و یا ادامه باغبانی داشته باشند که حمایت‌کننده سالمندی فعال و سلامت فیزیکی و روانی آن‌ها است.

محدودیت در حرکت، قدرت و استقامت سالمندان و زوال توانایی‌های حسی از جمله اتفاقات اجتناب‌ناپذیر هستند؛ به همین دلیل محیط باید طوری طراحی شود که قادر به جبران این توانایی‌های از دست رفته باشد. خانه‌ها باید با اتاق‌ها و راهروهایی در اندازه‌های مناسب، با روشنایی کافی طراحی شده و از هر نوع اختلاف سطح پرهیز شود. تعداد قابل توجهی از افراد مصاحبه‌شونده به علاقه خود نسبت به طبیعت، باغ یا حیاط خانه اشاره کردند. بنابراین طراحی محیط برای سالمندان باید فرصت‌هایی را برای برقراری پیوند بصری با طبیعت از داخل خانه و یا از طریق

فهرست منابع

- Alexander, Christopher, P. D. A. C. Alexander, S. Ishikawa, M. Silverstein, M. Jacobson, I. Fiksdahl-King, and A. Shlomo. 1977. "Center for Environmental Structure." In *A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction*. Center for Environmental Structure Berkeley, Calif: Center for Environmental Structure series.
- Atchley, Robert C. 1989. "A continuity theory of normal aging." *The gerontologist* 29(2). <https://academic.oup.com/gerontologist/article-abstract/29/2/183/581908?login=false>
- Atchley, Robert C. 1971. "Retirement and leisure participation: Continuity or crisis?." *The Gerontologist* 11(1_Part_1): 13-17. https://academic.oup.com/gerontologist/article/11/1_Part_1/13/512910
- Baker, Michael, Michael Keall, Ee Lyn Au, and Philippa Howden-Chapman. 2007. "Home is where the heart is--most of the time." *The New Zealand Medical Journal* 120(1264). <https://academic.oup.com/gerontologist/article-abstract/29/2/183/581908?login=false>
- Bayer, Ada-Helen, and Leon Harper. 2000. *Fixing to stay: A national survey of housing and home modification issues*.
- Bonaiuto, Marino, Antonio Aiello, Marco Perugini, Mirilia Bonnes, and Anna Paola Ercolani. 1999. "Multidimensional perception of residential environment quality and neighbourhood attachment in the urban environment." *Journal of environmental psychology* 19(4): 331-352. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S027249449990138X>
- Burkhauser, Richard V., Barbara A. Butrica, and Michael J. Wasylenko. 1995. "Mobility patterns of older homeowners: are older homeowners trapped in distressed neighborhoods?." *Research on Aging* 17(4): 363-384. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0164027595174001?journalCode=roaa>
- Creswell, John W. 2009. "Mapping the field of mixed methods research." *Journal of mixed methods research* 3(2): 95-108. <https://academic.oup.com/gerontologist/article-abstract/29/2/183/581908?login=false>
- Davey, Judith A., Virginia de Joux, Ganesh Nana, and Mathew Arcus. 2004. *Accommodation options for older people in Aotearoa/New Zealand*. Christchurch: Centre for Housing Research. <https://citeseerx.ist.psu.edu/document?repid=rep1&type=pdf&doi=f42bb8e783c2795e7d0a54a203340bb9c169b8e7>
- Erickson, Kirk I., Destiny L. Miller, and Kathryn A. Roecklein. 2012. "The aging hippocampus: interactions between exercise, depression, and BDNF." *The Neuroscientist* 18: 82-97. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1073858410397054?journalCode=nroa>
- Ferraro, Kenneth F. 1984. "Widowhood and social participation in later life: Isolation or compensation?." *Research on Aging* 6(4): 451-468. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0164027584006004001?journalCode=roaa>
- Golant, Stephen M. 2008. "Commentary: Irrational exuberance for the aging in place of vulnerable low-income older homeowners." *Journal of Aging & Social Policy* 20(4): 379-397. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/08959420802131437>
- Groat, Linda. 1995. "Introduction: Place, aesthetic evaluation and home." *Giving places meaning*: 1-26.
- Groat, Linda N., and David Wang. 2013. *Architectural research methods*. John Wiley & Sons.
- Lawton, M. Powell, Irwin Altman, and Joachim F. Wohlwill. 1984. "Dimensions of environment-behavior research: Orientations to place, design, process, and policy." *Elderly people and the environment*: 1-15. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4899-2171-0_1
- Lawton, M. Powell, and Lucille Nahemow. 1973. "Ecology and the aging process".
- Lehnig, Amanda J., Richard J. Smith, and Ruth E. Dunkle. 2015. "Do age-friendly characteristics influence the expectation to age in place? A comparison of low-income and higher income Detroit elders." *Journal of Applied Gerontology* 34(2): 158-180. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0733464813483210?journalCode=ja-ga>
- Lewin, Kurt. 1951. "Field theory in social science: selected theoretical papers". Edited by Dorwin Cartwright.
- Lawton, Mortimer Powell, Paul G. Windley, and Thomas O. Byerts. 1982. *Aging and the environment: Theoretical approaches*. Vol. 7. Springer Publishing Company.
- Marr, William, and Frank Millerd. 2004. "Migration of elderly households in Canada, 1991-1996: determinants and differences." *Population, Space and Place* 10(6): 435-454. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/psp.341>
- Moghissi, Haideh. 2009. "Age of diaspora: Iranian seniors in Toronto." *Arab Studies Quarterly*: 105-119. <https://www.jstor.org/stable/41858577>
- Newman, Sandra. 2003. "The living conditions of elderly Americans." *The gerontologist* 43(1): 99-109. <https://academic.oup.com/gerontologist/article/43/1/99/618879>
- Norberg-Schulz, Christian. 1979. "Genius loci: Towards a phenomenology of architecture."
- Norberg-Schulz, C. 1984. "The concept of dwelling Rizzoli International Publications". Inc., New York.
- Oswald, Frank, Hans-Werner Wahl, Heidrun Mollenkopf, and Oliver Schilling. 2003. "Housing and life satisfac-

- tion of older adults in two rural regions in Germany". *Research on aging* 25(2): 122-143. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0164027502250016?journalCode=roaa>
- Rojo Perez, Fermina, Gloria Fernandez-Mayoralas Fernandez, Enrique Pozo Rivera, and Jose Manuel Rojo Abuin. 2001. "Ageing in place: Predictors of the residential satisfaction of elderly." *Social Indicators Research* 54: 173-208. <https://link.springer.com/article/10.1023/A:1010852607362>
 - Peterson, Christopher, Steven F. Maier, and Martin EP Seligman. 1993. *Learned helplessness: A theory for the age of personal control*. Oxford University Press, USA.
 - Rantz, Marilyn J., Lorraine Phillips, Myra Aud, Lori Popejoy, Karen Dorman Marek, Lanis L. Hicks, Isabella Zaniletti, and Steven J. Miller. 2011. "Evaluation of aging in place model with home care services and registered nurse care coordination in senior housing." *Nursing outlook* 59(1): 37-46. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0029655410003313>
 - Relph, Edward. 1986. "Place and placelessness". London: Pion
 - Rodin, Judith, and Ellen J. Langer. 1977. "Long-term effects of a control-relevant intervention with the institutionalized aged." *Journal of personality and social psychology* 35(12): 897-902. <https://psycnet.apa.org/record/1979-29338-001>
 - Schmitt, David P., Lidia Alcalay, Melissa Allensworth, Jüri Allik, Lara Ault, Ivars Austers, Kevin L. Bennett et al. 2004. "Patterns and universals of adult romantic attachment across 62 cultural regions: Are models of self and other pancultural constructs?." *Journal of Cross-Cultural Psychology* 35(4): 367-402. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0022022104266105>
 - Seamon, David. 1982. "The phenomenological contribution to environmental psychology." *Journal of environmental psychology* 2(2): 119-140. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494482800443>
 - Sime, Jonathan D. 1986. "Creating places or designing spaces?." *Journal of Environmental Psychology* 6(1): 49-63. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494486800342>
 - Stinner, William F., and Mollie Van Loon. 1992. "Community size preference status, community satisfaction and migration intentions." *Population and Environment* 14(2): 177-195. <https://link.springer.com/article/10.1007/BF01358044>
 - Stoeckel, Kimberly J., and Frank Porell. 2010. "Do older adults anticipate relocating? The relationship between housing relocation expectations and falls." *Journal of Applied Gerontology* 29(2): 231-250. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0733464809335595?journalCode=jaga>
 - Strohschein, Lisa. 2012. "I want to move, but cannot: Characteristics of involuntary stayers and associations with health among Canadian seniors." *Journal of Aging and Health* 24(5): 735-751. <https://journals.sagepub.com/doi/pdf/10.1177/0898264311432312>
 - Tuan, Yi-Fu. 1977. *Space and place: The perspective of experience*. U of Minnesota Press, 1977.
 - Venti, Steven F., and David A. Wise. 1998. "The cause of wealth dispersion at retirement: Choice or chance?." *The American Economic Review* 88(2): 185-191. <https://www.jstor.org/stable/116916>
 - Vogt, Rebecca, John C. Allen, and Sam Cordes. 2003. "Relationship between community satisfaction and migration intentions of rural Nebraskans." *Great Plains Research* 13(1): 63-74. <https://www.jstor.org/stable/23804535>
 - Wahl, Hans-Werner, Oliver Schilling, Frank Oswald, and Susanne Iwarsson. 2009. "The home environment and quality of life-related outcomes in advanced old age: findings of the ENABLE-AGE project." *European Journal of Ageing* 6: 101-111. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10433-009-0114-z>
 - Weil, Joyce, and Elizabeth Smith. 2016. "Reevaluating aging in place: From traditional definitions to the continuum of care." *Working With Older People* 20(4): 223-230. https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/WWOP-08-2016-0020/full/html?utm_campaign=Emerald_Health_PPV_Dec22_RoN
 - Wiles, Janine, Kirsty Wild, M. Kepa, and C. Peteru. 2011. Resilient ageing in place: project recommendations & report. Faculty of Medical and Health Sciences, University of Auckland.
 - World Health Organization. 2002. The world health report 2002: reducing risks, promoting healthy life. World Health Organization. <https://www.fmhs.auckland.ac.nz/assets/fmhs/soph/sch/ageing/docs/Resilient-Ageing-in-Place-Recommendations-and-Report.pdf>
 - Montgomery, Mark. 2007. "United Nations Population Fund: State of world population 2007: Unleashing the potential of urban growth." *Population and Development Review* 33(3): 639-641.
 - World Health Organization. 2019. Trends in maternal mortality 2000 to 2017: estimates by WHO, UNICEF, UNFPA, World Bank Group and the United Nations Population Division: executive summary. No. WHO/RHR/19.23. <https://apps.who.int/iris/bitstream/handle/10665/327595/9789241516488-eng.pdf>

<p>نحوه ارجاع به این مقاله</p> <p>سیادتان، سعیدرضا، علیرضا عینی‌فر، و شاهین حیدری. ۱۴۰۲. ارتقاء تعامل سالمندی و مکان، مورد مطالعاتی: سالمندان ایرانی مقیم تورنتو. نشریه معماری و شهرسازی آرمانشهر ۱۶(۴۲): ۷۹-۹۰.</p> <p>DOI: 10.22034/AAUD.2022.294384.2546</p> <p>URL: https://www.armanshahrjournal.com/article_173184.html</p>	
<p>COPYRIGHTS</p> <p>Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.</p> <p>http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/</p>	